

قدس نامیده شده است و این مسئله بسیار مهم و وظیفه بزرگی است که در ارتباط با وظائف مسلمین بخصوص مسلمانهای دنیا، برعهده فرد فرد مسلمانهای دنیاست. برنامه هفته آینده که جمعه آخر ماه است انشاءالله بعد تنظیم خواهد شد.

کیهان ۲۰ مرداد ۵۷

تغییر نام بیمارستان طالقانی

سخنگوی دانشگاه تهران اعلام کرد: بنابه نظر حضرت آیتالله طالقانی که همواره به حفظ خاطره بزرگان خیر و دانشمند علاقمند و معتقد به بزرگداشت نام آنها میباشند نام بیمارستان طالقانی بنام اصلی آن امیراعلم تغییر یافت.

اطلاعات ۲۲ مرداد ۵۸

سخنرانی پدر طالقانی در کاخ سعدآباد

آیتالله طالقانی طی سخنانی گفت: یکی از شبهای بزرگ عالم اسلام، شب شهادت بزرگترین شخصیت دنیا، وجدان بیدار بشریت و انسان الهی امیرالمومنین علی (ع) است. شما برادران و خواهران و فرزندان که از گوشه و کنار شهر در اینجا جمع شده‌اید برای همین است که این شب را تعظیم کنید و وسیله تقرب به خدا و استجاب دعاها قرار دهید. امشب شب عبادت، شب استغفار، شب نزدیک شدن رحمت خدا به مردمان گناهکار و منتظرین مشمول شدن رحمت خداست. آیتالله طالقانی با اشاره به این نکته که بهترین عبادات در چنین شبهایی بحث علمی و روشنگری است و قرائت آیاتی از قرآن مجید گفت: در این آیات، دو گروه مردم را به مومنین، یعنی آنهایی که چشمشان باز است و گوش شنوا دارند تذکر میدهد. این دو گروه در مقابل یکدیگرند، یک عنصر خودخواه مستبد و یک انسان الهی، در کتابهای اجتماعی روانی بسیار بحث شده است که عنصر مستبد چگونه عنصری است و از چه راه میتواند بر ملتی حاکم مطلق بشود. هر فرد انسانی میکوشد که فرد دیگر را در تحت نفوذ و راده خود

بگیرد، استعمار و تسخیر کند، ولی چگونه میشود که يك فرد و يك جمع بتوانند برملتی حکمرانی کنند و حاکم مطلق شوند؟! این مسأله‌ای است که علمای اجتماع و فلاسفه از زمان سقراط و افلاطون تاکنون درباره آن بحث کرده‌اند و اگر همه بحثهایی را که متفکرین دنیا درباره «عنصر مستبد» نوشته‌اند و گفته‌اند و خطری که از چنین عنصری اعلام کرده‌اند در نظر بگیریم ملاحظه میکنیم که خلاصه‌اش در همین دو سه آیه‌ای است که در قرآن آمده است. بعد از بیان احکام حج که برگشتن مردم به فطرت اولی آنچه را که انبیاء میخواستند اجتماع توحیدی است.

اجتماعی که تمام مردم در اطراف يك محور حرکت کنند و امتیازات گرچه موقتاً الغاء میشود ولی آنچه که مردم را از هم جدا کرده و فاصله ایجاد کرده است از میان برود و همه بشوند يك انسان و يك حرکت و يك شمار و يك شعور. این نمونه‌ای است که نادیان توحید و انبیاء ارائه داده‌اند تا شاید روزی تمام دنیا به چنین صورتی در بیاید. یعنی همه‌در يك محور حرکت کنند و يك شعار داشته باشند و دیوارهای امتیازات لباسی و ساختمانی از میان برداشته شود و انسانی که در لباس و عناوین و ساختمان و نژاد خود را فراموش کرده است بخود برگردد، یعنی به‌خدا برگردد.

چنین نمونه‌ای خواه ناخواه باید به تدریج در دنیا گسترش یابد. اما خطر این اجتماع از کجاست؟ از انسان مستبد خودخواه، انسانی که شهوات و هواها و آرزوهای ازبند گسیخته‌اش بروجدان و شرف و حیثیت انسانی او حاکم شده باشد. چنین انسانی که بخواهد بر نفوس بشر و انسانهایی که آزاد آفریده شده‌اند حاکم باشد.

کاخ‌های آموزنده

آیت‌الله طالقانی افزود: آیا همین اجتماع و دیدن در و دیوار این کاخها کافی نیست که ما چنین فردی را درست بشناسیم و خطراتی که برای اینگونه عنصرهای خودخواه هست دریابیم؟ همین جایی که امشب شما نشستهاید و به یاد خدا و اولیای الهی و تذکرات عالیه انسانی جمع شده‌اید تمام اینها برای شما که آموزنده است. در میان همین دیوارها سرنوشت میلیونها مردم این کشور معین میشود، بدون اینکه هیچ فرد و یا هیچ گروهی دخالت در سرنوشت

خودشان داشته باشند. غارتها، کشتارها، حکم اعدامها، شکنجه‌ها، فرهنگهای استعماری و فحشاء از اینجا به‌سراسر این کشور عظیم اسلامی صادر می‌شد.

نه‌شما خواب چنین شبی را می‌دیدید، نه آن مستبد خودخواهی که در میان این کاخها سرنوشت میلیونها مردم و مستضعفین را معین میکرد، چنین شبی را به‌خواب می‌دید. این عنصری است که نظام الهی را واژگون میکند، فطرتی است که قرآن بعد از نظام و اصول حج و توحید ابراهیمی اعلام میکند، این چنین انسانی چطور میتواند مردم را اغفال کند؟ چطور میتواند برگرده مردم سوار باشد؟ چطور میتواند اراده فردی خود را بر میلیونها اراده انسانها تحمیل کند؟ در چه نظامی و در چه وضعی وقتی که جامعه‌ای در محیط سالم که نمونه‌اش در حج آشکار است، محیطی که همه انسانها يك وجدان و يك شعور دارند اگر این محیط بهم بخورد و مردمی به‌تدریج خواستند اراده خودشان را بر یکدیگر تحمیل کنند اختلاف پیدا کردند، عناد و خودپسندی و خونریزیها و خودخواهیها و فرصت‌طلبیها را بر یکدیگر تحمیل کنند محیط آنان مشوش خواهد شد.

آیت‌الله طالقانی در ادامه سخنان خود افزود: در چنین محیطی که نیروهای مردم، مستضعفین و مستکبرین کوچک و بزرگ برای نابودی و تضعیف یکدیگر مصروف شود قهراً وضع اقتصادی مردم هم دگرگون خواهد شد. گرسنگی، فقر و بیچارگی در بین همه مردم سرایت خواهد کرد.

تسلط مستبدین خودخواه

آیت‌الله طالقانی با اشاره به وقایع اخیر گفت: همین محیطی که امروز عوامل ضد انقلاب و خودخواه و فرصت‌طلب دارند فراهم میکنند اگر خدای نخواست به‌همین منوال پیش برود مستبدینی بر همه ما مسلط خواهند شد. اگر این محیط آزادی را قدردانی نکنیم و آن را محیط عقده‌گشائی و عناد و به‌میریختگی و موضع‌گیری قرار دهیم، نتیجه‌اش پیدا شدن مستبدین است و دیگر رحم بر صغیر و کبیر ما نخواهند کرد.

آیت‌الله طالقانی سپس با خواندن آیاتی از قرآن مجید افزود: بعضی از مردم هستند که وقتی باشما مواجه میشوند سخنرانی میکنند

و شعار میدهند و شما توده‌های مردم را فریفته گفته‌های خود میکنند و عده آب و نان و مسکن و آسایش میدهند، در چنین محیطی این انسان برای رسیدن به هدف، همه‌جور وسیله را توجیه میکند دین و شرف و انسانیت را به استخدام خود میگیرد، دروغ میگوید، فریب میدهد، خدا را شاهد میگیرد که من دلسوزترین مردم در حق شما هستم، خدا را شاهد میگیرد بر اینکه من میخواهم این مملکت را نجات بدهم، یک رضاخانی یا یک آریامهری و امثال اینها، ولی روحیه‌اش لجوج-ترین و کینه‌توزترین مردم نسبت به خلق است تا وقتی که سوار کار نشده، وعده میدهد ولی همینکه سوار شد دیگر به هیچ چیز رحم نمیکند، شروع میکنند به فاسد کردن اخلاق، رواج فحشاء و ترویج مواد مخدر برای اینکه مردم را محتاجتر کند، برای اینکه خودش بتواند بر همه امور مسلط باشد و زراعت را فاسد میکند برای اینکه همه محتاج شوند، همه فقیر بشوند، همه روبه شهرها بیاورند، همه دستشان بطرف ادارات و وزارتخانه‌ها باشد، برای اینکه سر برج حقوقی بگیرند و بعد هم با ذلت و بدبختی زندگی کنند.

استقلال در اقتصاد زندگی بیل و کلنگ به دست گرفتن و کار کردن و بغومتکی بون را از بین میبرد. باید یک ملتی که اینهمه زمین و دریا و جنگل و اراضی دارد برای آذوقه‌اش از استرالیا و از امریکا گوشت و گندم و نان وارد کند.

عنصر مستبد، زراعت، کار تولیدی و استقلال اقتصادی را از بین میبرد و نسل راهم فاسد میکند، نسلی که نه فکر از خود داشته باشد و نه روی فکر و اندیشه خود بایستد و نه دارای استحکام اخلاقی باشد بلکه انسانهایی باشند که آلت دست باشند و «بگو زنده باد، بگو مرده باد» و مثل گوسفند با مردم رفتار کردن. ولی سینه مستبد، با اراده خدا تضاد دارد، خدای زمین و آسمان، فساد را دوست ندارد. پس مفسد را دوست ندارد و او را بگوشه‌ای پرت میکند، او که این «قدر»ها درست کرد تا اگر بخواهد هرشب در یک کاخ استراحت بکند، حالا باید در دنیا آواره باشد و جای نداشته باشد. اینها برای ما مسلمانها و برای ما مردمی که انقلاب کردیم عبرت است، دیگر مجال ندهید برای اینکه مفسد و مستبد به هر صورت و به هر لباس حاکمیت پیدا کند، حاکمیت در اسلام برای خداست و کسانی که اراده خدا را بخواهند اجرا کنند، طغیان طاغی و مستند باز بیشتر میشود، کار

مستبد بجایی میرسد که مافوق اراده خود، اراده‌ای نمی‌بیند، حکما و محققین بزرگ میگویند: دیگر در مقابل مستبد نمیشود گفت که: قانون چنین و چنان میگوید. وقتی رضاخان آمد سرکار، اولین کاخی که ساخت همین کاخ است. به بعضی از علما که با او تماس داشتند، گفت: مجلس شورا کار پیشرفت مملکت را فلج کرده، شما سعی کنید در این طویله را ببندید

آیت‌الله طالقانی در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت: چقدر رهبر عالیقدر ما به این نامرد نصیحت کرد که از خدا بترس، اینقدر ظلم نکن، مگر گوش کرد؟ بر طغیانش افزوده شد. مثل بنزینی است که روی آتش بریزند باز مشعل‌تر میشود، وقتی به او گفته میشود از خدا بترس اینها مردمند، اینها بندگان خدا هستند، حق خدای را پایمال نکن، عرض و شرف يك ملتى را نبر، يك ملتى را در بست به اسرائیل و امریکا نفروش، ای نامرد و ای ناکس اینطور نفت و سرمایه ما را به آنها نده که بجایش ابزار جنگی و زائده‌های تولید آمریکا و غرب را بگیریم و اینجا انبار کنیم و چندین مقابل پول نفتی که می‌گیریم باید به آنها پس بدهیم. ولی مگر این بی‌همه‌چیز گوش میکرد. این مسیر، مسیر انسان نیست، این مسیر، مسیر شرف نیست، مسیر خدا نیست، چون غرق گناه است. وقتی نام تقوا برده میشد و میشود بیشتر مشتعل میشود، بیشتر چموش میشود و آیا بهمین‌طور میماند. خودش وجودش جهنم است، مسیرش جهنم است و بدجائی برای خود فراهم کرده است.

آیت‌الله طالقانی افزود: اگر ما این مطالب را در ماه رمضان گذشته جرأت میکردیم و میتوانستیم بگوئیم، تازه کسی باور نمیکرد، اما حالا باور میکنید، این جهنم بدبخت رانده شده از همه کشورها، اینکه اینهمه کاخ و این همه ساختمان ساخت برای اینکه يك شب يك جا استراحت کند و شب دیگر در کاخی دیگر. این مسیر انسانی است که برخلاف اراده خدا و مسیر توحید و مسیر حق حرکت میکند، یعنی انسان مستبد.

سجای روحی و مبارزات علی (ع)

آیت‌الله طالقانی در دنباله سخنان خود افزود: درمقابل این انسان خودخواه خودکامه و مستبد که شرف و اقتصاد و زندگی يك ملتى را صرف خودش و خانواده‌اش و اطرافیانش میکند تا خودش بماند مردانی

هم هستند که خود را فانی مصلحت مردم میکنند و کسانی که جان خودشان را می‌فروشند. در هر دوره‌ای در هرجائی که ببینند رضایت خدا در آنجا است و به هرجا که مظلوم و مستضعفی است و هرجا ناله و فریادی است به آنجا روی می‌آورند، اگر گرسنه‌ای است می‌روند او را سیرکنند، اگر انسانی است که دچار ظلم شده او را از چنگال ظلم نجات می‌دهند، اگر انسانهای جاهلی هستند می‌روند تا آنان را از جهل نجات می‌دهند. این چنین انسانهای خودشان گرسنه می‌مانند تا مردم سیر باشند خودشان شکنجه می‌بینند تا مردم آزاد باشند در میدان-های جنگ سینه سپر میکنند تا مردم در امنیت باشند. کیست این انسان؟ او «علی» است که هرجا ناله مظلومی است و هرجا ظلمی است، برای دفع ظلم حرکت میکند. آیت‌الله طالقانی سپس با اشاره به سجایای روحی و مبارزات حضرت علی (ع) افزود: شما اگر محیط سالم را نگهدارید و اگر با هم تفاهم داشته باشید، وحدت را حفظ کنید، یک چنین شخصیتها و نمونه‌هایی بر سر شما سایه خواهد گسترد، ولی اگر محیط سالم را تبدیل کردید به محیط عداوت و دشمنی، آنجا است که باید منتظر باشید، تا خونخوارانی مستبد به دست عوامل خارج و داخل بر شما مسلط بشوند و دومرتبه دچار چنین عذابی بشوید.

آیت‌الله طالقانی افزود: من بسیار متأثرم، وقتی به اینجا می‌آمدم و هر چه فکر میکردم چیزی به نظر نمی‌رسید، فقط می‌خواستم بنشینم گریه کنم. گریه کنم به حال ملتی که آن وحدت آن یگانگی آن تسلیم در مقابل حق و آن شوری که داشت بتدریج تبدیل به خصومت و جبهه‌گیری و عداوت میشود. این دیگر وابسته به هوشیاری شما مردم است که نگذارید این انقلاب عظیم و توحیدی و اعجاب‌انگیز ما بدست مثنی خودخواه و خودپرست که همه‌چیز را برای خودشان می‌خواهند به درگیری‌ها و جنگهای داخلی تبدیل شود و بعد مستبدین از هر سو بر شما مسلط شوند.

مملکت ما کشور «علی» است، اینقدر که خودمان را به علی منتسب می‌کنیم هیچ‌کشور اسلامی خودش را نزدیک نمی‌بیند، شب و روز باید گفته‌های علی و رویه و رفتار علی، در مقابل چشم ما باشد. آیت‌الله طالقانی افزود: تمام جنگهای علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمانها باشد که به هرکسی تهاجم نکنیم، اگر

دشمنان و عوامل آنها توطئه کردند و تهاجم کردند، آنوقت وظیفه و مسئولیت ما این است که در مقابل مهاجم ایستادگی کنیم و مهاجم را نابود کنیم.

سیاست اسلام برعکس تمام سیاست‌های دنیا، سیاست صداقت و صراحت است. اسلام که مظهرش علی است، نمیتواند پهر وسیله‌ای به هدفی که ادامه حکومت است برسد و دست یابد. در اسلام «حق» شکست خوردنی نیست. همانطور که علی شکست نخورد، کشته شد ولی شکست نخورد. ما نمی‌خواهیم مثل سیاستمداران دنیا فریبکاری کنیم، بازی در بیاوریم و اغفال کنیم، وعده دروغ بدهیم و گول بزنیم و بی‌جهت وعده آب و نان بدهیم و عمل نکنیم، زیرا فریبکاری و اغفال، سیاست اسلام نیست، انقلاب ما انقلاب اسلامی است.

این خونی که در بین مسلمین و بخصوص شیعه جریان پیدا کرد. این شهداتما، این زجرها، این شکنجه‌ها، این زندان‌ها، همان جریان خون علی است که در محراب ریخته شد. این عظمت انقلاب شما و این جوشش خون شما مسلمانها از همان جوشش خون علی است که در محراب جوشید. چون خون حق بود، همان خونی که در کربلا جریان پیدا کرد و در بیابان‌های کوفه و اصحاب علی ریخته شد تا هفده شهریور. اینها همه خون علی است. مگر خون حق آرام می‌نشیند؟ این خون علی است که می‌جوشد، ما خون دادیم برای اینکه منطق علی را که منطق اسلام است زنده کنیم. این عظمت و شکوه شهادت از علی شروع شد و تا به امروز ادامه دارد. این خون‌ها را که در خیابانها ریخته شد فراموش نکنید، این خونهایی که در زندان‌ها ریخته شد فراموش نکنید، ما خون دادیم، خونی که از متن مکتب ما جوشیده، یعنی مکتب علی و مکتب اسلام و با این خونها اجازه نخواهیم داد که مردمی فرصت‌طلب و خودخواه و وابسته بدیگران و خارج از مرز بخواهند مسیر انقلاب ما را منحرف کنند.

آثار خون شهدا هنوز باقی است

آیت‌الله طالقانی با اشاره به واقعه هفده شهریور و شهدائی که در این روز ملت ایران داد افزود: این خون شهدای ما است، این خون کسانی است که در گوشه زندانها و اطراف بیابانهای اوین هنوز آثارش باقی است، و ما راضی نیستیم که این خون‌ها با بازی‌گری‌عده‌ای

اثر و جوشش از بین برود، ما در این نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان با تقوی و پیروزی آمده‌ایم در مرکز طاغوت. آیات خدا و تلاوت میکنیم و از شهادت و عظمت اسلام و رهبران اسلامی سخن می‌گوئیم.

آیت‌الله طالقانی سپس اشاره به وصیت‌های حضرت علی (ع) بخاندان و اصحابش و امت اسلام و اینکه توحید و سنت محمد، دو ستون زندگی و حیات مسلمانان است گفت: همین وضعی که امروز ما داریم علی (ع) پیش‌بینی میکند. خوارج از یکسو، خون‌خواهان عثمان و خون عثمان از سوی دیگر، بهانه‌جوئی‌ها از یکسو، گروه‌های سیاسی در هر جهتی، در هر شهری در هر سرزمینی تشکیل شده، سلاح اینها برای کوبیدن یکدیگر چیست، که اول محکومش کنند و بعد نابودش کنند. سلاح اینها چیست؟ مواخذه‌های دینی، این روش کج است، آن چنین حرف می‌زند. آن دینش، کامل نیست، آن مذهبش چه جور است، آن ولایتش کم است. آن یکی چه جور است؟ آن طرفدار خوارج است، آن ضد خوارج است، آن طرفدار خون عثمان است، آن ضد خون عثمان است و آن نسبت به شیخین نظرش چیست که بهمین وسیله همدیگر را بکوبند، تا اسلام مجموعاً کوبیده بشود، همین کاری که ما امروز داریم می‌کنیم، همین وضعی که امروز ما داریم، ما مسلمانها با اسم اسلام داریم همدیگر را می‌کوبیم، همان دعوای حیدری، نعمتی که دستگاه‌های قدیم ما براه می‌انداختند، ما داریم توی سر همدیگر می‌زنیم و می‌گوئیم اسلام. آنهم می‌گوید اسلام، همان بازی‌های جاهلانه را در این شرایط امروز دنیا که چشمها بطرف ما است داریم درمی‌آوریم، یک عده باج‌گیرها همه را می‌خواهند بجان هم بیندازند به اسم اسلام، علی همین وضع را بعد از خودش می‌دید که این کلمات را در آن آخرین نفس می‌فرمود. بدانید دو رکن است، توحید و سنت. و این دو رکن را بپا بدارید، مردم نادان، اینقدر سربسر هم نگذارید، تفتیش عقاید نکنید، بشما چه، وقتی می‌گوئید ظاهر من مسلمان است، بگوئید خیلی خوب، تو هم مسلمانی، کسی که به شما و به اسلام سلام میکند نگو که مسلمان نیست. بعد می‌فرماید خدا که دارد می‌گذرد شما چرا نمی‌گذرید.

آیت‌الله طالقانی در پایان سخنان خود گفت: علی رفت و این مسئولیت بزرگ و این امانت الهی یعنی این عدل و قسط اسلامی و این مسئولیت عظیم را بعهده همه مسلمانها خصوصاً شما شیعه‌ها واگذار کرده، از خدا

بخواهید که بتوانید «علی‌وار» زندگی کنید، علی‌وار سخن بگوئید و علی‌وار بمیرید.

کیهان، ۲۵ مرداد ۵۸

دومین خطبه پدر طالقانی در نماز جمعه روز قدس:

دفاع از بیت‌المقدس دفاع از حریم خداست

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تبت یدی..... کوتاه‌باد، دست آتش‌افروزی، ابی‌لهب، نه ثروتی که جمع کرده و نه دار و دسته‌ای که براه انداخته او را بی‌نیاز نخواهند کرد. آنهایی که تحت تأثیر اینها هستند جز زر و وبال چیزی برای آنها نمی‌ماند. در شعارشان و در آنچه که می‌گویند و به گردن می‌آویزند، همه اینها نشاندهنده شیطانها و ابی‌لهب‌هایی است که بصورت انسان درآمده است.

بار دومی است که بنام قدس، بنام سرزمین مقدس فلسطین در همین دانشگاه دور هم جمع شدیم و این آیات را تلاوت کردیم. آن دفعه جمعیتی محدود و اینبار جمعیتی نامحدود. به دستور و ابتکار و صحنه رهبری ما و دولت ما، این مسئله از ایران انقلابی شروع شد که روزی به نام قدس نه در سطح کشور بلکه در سطح تمام کشورهای اسلامی و همه مسلمانان مسئول و متمهد روز همبستگی باشد روزی است که ما مسلمانان ایران با صدای بلند و بدون مانع، دعوت مظلومین فلسطین و قدس از دست رفته را اجابت می‌کنیم.

همه مسلمانها در هرجائی که هستند و در تعاونی که بایکدیگر دارند، همه مانند سری هستند از پیکری آنگاه که شکایت کند و بدرد آید. هرعضو بدن انسان وقتی بدرد آمد و بوسیله اعصاب شکایت‌خودش را به مرکز فرماندهی و اعضای دیگر رساند، همان عضو رأس می‌شود و همه اندیشه فکر، چشم و گوش متوجه آن عضو آسیب‌دیده می‌شوند تا آن نجات بدهند، چرا؟ برای اینکه اگر آن نجات پیدا نکرد تمام اعضا فلج می‌شوند. باید مسلمانهای دنیا بدانند همه عضو یک پیکر هستند و گمان نکنند که با بی‌تفاوتی و بدون توجه به درد مسلمانهای دیگر، اینها می‌توانند خود را حفظ کنند و از رنج و درد و آفاتی که متوجه آنها